

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۱۲ جمعه ۱۴ تیر ۱۳۹۲،  
۵ جولای ۲۰۱۳ - ۱۴ صفحه

### عبور از "اسلام معتدل" و دموکراسی یک درصدیها

صفحه ۲

مصاحبه با حمید تقوایی

### شعله های خشم کارگران باز هم زیانه میکشد

صفحه ۵

### مصر، بزرگترین تظاهرات تاریخ بشر

صفحه ۷

اصغر کریمی

### مصر: مردم انقلاب کردند، ارتش پیشدستی کرد

صفحه ۳

اصغر کریمی

### از «آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند» تا «آمریکا، غلط کرد» - ۲

صفحه ۶

عباس گویا

### انقلاب مصر یک ضربه به دموکراسی

صفحه ۴

کاظم نیکخواه

### زن آزاد

صفحه ۸-۹

مینا احدی- فرح صبری- صنم رشیدی

## بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران:

### پیشروی تاریخساز انقلاب مصر!

انقلاب مصر يك پیشروی مهم دیگر را برای مردم قهرمان این کشور، برای مردم کل منطقه و برای بشریت رقم زد. حرکت عظیم و میلیونی "جنبش تهر" که در هفته گذشته به "بزرگترین تظاهرات تاریخ" منجر شد حکومت محمد مرسی و اخوان المسلمین را به پرتگاه راند و منجر به ساقط شدن آن توسط ارتش گردید. این سومین دولت، بدنبال دولتهای مبارک و طنطاوی، بود که به قدرت التحریر و انقلاب مصر کنار زده می شد. این نه فقط گامی تعیین کننده در جهت تضعیف نیروهای اسلامی و برچیدن بساط متعفن ارتجاع مذهبی در صحنه سیاسی کشورهای مختلف و از جمله ایران بود، بلکه و مهم تر، جلوه شورانگیزی از فراتر رفتن از

چهارچوبه محدود دموکراسی و وارد کردن ضربه مهلکی بر اسطوره "حاکمیت صندوق رای" (یا همان حاکمیت بورژوازی) بود. همه جهان با اشتیاق و هیجان دید که چگونه دهها میلیون زن و مرد در مصر به خیابان آمدند، اراده خود را مستقیماً اعمال کردند و حکومتی که در پروسه های پارلمانتاریستی به قدرت رسیده بود اما بروال معمول همه دولتهای دموکراتیک، اقلیت مفتخور و مرتجع را نمایندگی میکرد، را عزل کردند. این يك نقطه عطف تاریخی است که به نام انقلاب مصر و التحریر ثبت خواهد شد.

هیچ چیز مضحک تر از آه و شیون و "نگرانی" بورژواهای رنگارنگ، از مقامات اروپایی گرفته تا سران ترکیه و ایران و غیره، در مورد "از دست رفتن

ادامه صفحه ۱۲



## عبور از "اسلام معتدل" و دموکراسی یک درصديها

### مصاحبه با حمید تقوایی در مورد تحولات اخیر مصر



انترناسیونال: تظاهرات عظیم توده‌ای مردم مصر علیه دولت مرسى به برکنار شدن این دولت بوسیله ارتش منجر شد. این تحول را چطور توضیح میدهید؟ آیا این قدمی بجلو است و یا آنطور که بسیاری از مفسرین و رسانه‌های غربی میگویند "کودتا علیه دولت منتخب مردم" و اقدامی علیه دموکراسی است؟

حمید تقوایی: روشن است که این اقدام ارتش یک کودتا بود ولی کودتایی که توده انقلابی مردم به بالائی‌ها تحمیل کردند. ارتش با دولت مورسی دعوائی نداشت، قرار مدارهایشان را گذاشته بودند و به رتق و فتق امور حکومتی، یعنی برقراری "نظم و قانون" علیه انقلاب، مشغول بودند. اما انقلاب یکبار دیگر بساطشان را به هم ریخت. ارتش و اخوان المسلمین هر دو از همان دوره مبارک بعنوان دو نیروی کنترل کننده علیه انقلاب به جلو رانده شدند. اخوان المسلمین در تمام دوره انقلاب مردم علیه مبارک در پیاده‌رو ایستاد و ناظر مبارزات مردم بود. ارتش هم با ظاهر بیطرفی تلاش کرد برای ایفای نقش در دوره بعد از مبارک موقعیت وجهه المله‌ای برای خود دست و پا کند. این دو نیرو از

ابتکار یک گروه کوچک از جوانان انقلابی در عرض کمتر از دو روز بیش از بیست میلیون نفر در یک نظرسنجی اعلام کردند دولت مورسی باید برود و بدنبال آن میلیونها نفر (به گزارش سی. ان. ان. قریب به سی و سه میلیون)، با شعار "ارحل مورسی"، مورسی گم شو، به خیابانها ریختند. این جواب محکم و کوبنده توده مردم مصر به "دموکراسی" و دموکراسی پنهان و این ادعای پوچ است که چون رئیس جمهور و یا هر مقام دولتی از صندوق رای بیرون آمده مجاز است هر سیاستی را پیاده کند و مردم هم موظفند تا انتخابات بعدی او را تحمل کنند. در مصر میلیونها مردم به خیابانها ریختند و اعلام کردند این بازی را قبول نداریم. حتی اگر فرض کنیم مورسی در یک انتخابات آزاد و منصفانه بقدرت رسیده بود (که بهیچوجه اینطور نبود) باز هم مردم حق داشتند هر زمان که بخواهند او را بزیر بکشند. دخالت مردم در سیاست و سرنوشت خود و جامعه تنها با برسمیت شناختن حق انتخاب و عزل مسئولین هر زمان توده مردم اراده کنند متحقق میشود و این اساس آزادی و اعمال اراده توده مردم در سیاست و اداره امور جامعه و مبنای دموکراسی شورائی است. دموکراسی نیابتی و انتخابات هر چندسال یکبار نه تنها تضمین کننده این آزادی نیست بلکه مغایر آنست. یک محور مهم جنبش اشغال همین بجالش کشیدن دموکراسی "یک در صديها" بود و اکنون انقلاب مصر با قدرت بی نظیری بیبریطی دموکراسی پارلمانی به امر رهائی و رفاه و آزادی را برملا میکند. به نظر من در برآمد انقلابی‌ای که به سقوط مورسی منجر شد هم اسلام

سیاسی باصطلاح معتدل و غیر متخاصم با غرب ضربه محکمی خورد و هم جنبش دموکراسی و توهم پراکنی به صندوق انتخابات و پارلمان. به این دلایل است که من این تحول را گام بزرگی بجلو برای انقلاب مصر میدانم. انترناسیونال: ولی مساله اینست که دولت مورسی بوسیله ارتش برکنار شد و فعلا ارتش زمام امور را در دست گرفته است. آیا این اتفاق، مستقل از بحث دموکراسی و دولت منتخب و غیره، خود یک فاکتور منفی و مخرب برای انقلاب و توده مردم نیست؟

حمید تقوایی: همانطور که اشاره کردم ارتش با هدف کنترل و مهار انقلاب و نهایتا نجات نظام سیاسی و اقتصادی حاکم در مصر بمیدان آمده است و اگر بتواند موفق شود بی شک تحول اخیر یک ضربه کاری به انقلاب و یک پیشروی تعیین کننده برای ضد انقلاب خواهد بود. اما تمام بحث بر سر همین "اگر" است. به نظر من بورژوازی ممکن است بتواند با سرکوب و از روبرو انقلاب را در هم بکوبد ولی با این نوع حرکتها - با تاکتیک "همراهی ارتش با مردم" و غیره - قادر به تحریف و قیچی کردن انقلاب نخواهد بود.

اساس و مضمون و خود ویژگی تحول اخیر در مصر سقوط دولت مورسی بقدرت خیابان بود و نه بمیدان آمدن ارتش. روشن است که این تحول حاصل روی آوری مردم به ارتش نیست بلکه نتیجه رویگردانیشان از دولت مورسی است. ارتش با مردم "همراه" شده - یا بعبارت دقیقتر ناگزیر شده خود را همراه مردم نشان بدهد - و نه برعکس.

در اینجا لازمست دو نکته را تاکید کنم. نکته اول اینکه در تحولات جاری، برخلاف کودتای

وجه المله جمال عبدالناصر علیه ملک فاروق در سال ۵۲ که ارتش در آن نقش کلیدی داشت، ابتکار عمل در دست انقلاب و توده مردم است و نه ارتش. ارتش تا کنون نسبت به پیشرویهای انقلاب، با عبور از دولت و روسای جمهوری که آماج انقلاب قرار گرفته اند، عکس العمل نشان داده است. روشن است که در تحولات انقلابی جاری توده مردم توهمی نسبت به ارتش و یا، آنطور که خود و طبقه حاکمه ادعا میکنند، "رسالت ارتش در نجات جامعه و حفظ آرامش" و از این نوع خزعبلات ندارند.

نکته دیگر اینست که این عملکرد ارتش خود بخاطر جایگاه کلیدی ارتش در جامعه مصر است. موقعیت ارتش مصر از نقش کلاسیک ارتش برای دولتهای بورژوازی - ابزار قدرتنمایی و حفظ قدرت دولتی در جامعه خود و در برابر دولتهای دیگر - فراتر میرود. ارتش مصر نه تنها یک سازمان نظامی، بلکه یک نهاد سیاسی - اقتصادی مهم و تعیین کننده بورژوازی مصر و نظام سرمایه داری در مصر است. این نقش جامع و تعیین کننده ارتش برای کل سرمایه داری و بورژوازی مصر به طبقه حاکمه این کشور - و همچنین بورژوازی غرب و مشخصا دولت امریکا - این امکان را میدهد که اولاً در برابر تحولات انقلابی این کشور اولویتشان حفظ ارتش و موقعیت اجتماعی آن باشد و لذا تا آنجا که میتوانند از رودرویی مستقیم ارتش با مردم احتراز کنند و ثانیاً تا آنجا که ارتش دست نخورده و "محترم" باقی بماند، و برای اینکه چنین بشود، نسبتاً براحتی از احزاب و شخصیتها و جریانهای

## مصر: مردم انقلاب کردند، ارتش پیشدستی کرد



اصغر کریمی

انقلاب مردم مصر پایان حکومت اسلام را در این کشور با قدرت اعلام کرد. و در سطح منطقه نیز ضربه بزرگی به جنبش اسلام سیاسی و به حکومت های اسلامی وارد کرد. دهها میلیون به خیابان آمدند و در روز روشن به جهانیان اعلام کردند که حکومت اسلامی نمیخواهیم و این پیام روشنی برای همه دولت های اسلامی و جنبش های کثیف اسلامی داشت: دوره حکومت های اسلامی حتی نوع میانه اش تمام شده است. روشن و بدون تفسیر. جنبش توده ای در ترکیه نیز همین را تأکید کرد.

در طول دو سال گذشته مردم مصر با دو انقلاب دو دولت را سرنگون کردند. بار اول حکومت حسنی مبارک را بریز کشیدند و اخوان المسلمین که نقشی در انقلاب مردم نداشت، سوار انقلاب شد و قدرت را گرفت و شروع به اسلامی کردن قوانین و محروم کردن مردم از ابتدائاتی ترین حقوقشان کرد. حمله به زنان را شروع کرد، فقر و محرومیت غیر قابل تحمل دهها سال حکومت حسنی مبارک را تداوم داد و مردم را از همه چیز محروم کرد. در زمینه اقتصادی نیز اجناس گرانتر شد اما دستمزدها افزایش نیافت. شبیه آنچه در سال ۵۷ در ایران اتفاق افتاد. در ایران نیز مردم انقلاب کردند و جریان اسلامی به کمک دول غربی که نمیخواستند انقلاب به قدرت گیری چپ منجر

شود، سوار انقلاب شد. خمینی را رهبر انقلاب کردند و با قدرت گرفتن اسلامی ها سرکوب مردم و انقلابشان با شدیدترین جنایات شروع شد. کشتار دهها هزار نفره از کمونیست ها و مخالفین، حمله به شوراهای کارگری، دستگیری رهبران کارگری و دانشجویی، زندانی کردن دهها و صدها هزار نفر از فعالین احزاب سیاسی، حمله به زنان که از حتی قبل از ۲۲ بهمن با اسیدپاشی و تهدید شروع شده بود و سپس به خدمت گرفتن جنگ با عراق برای تحت الشعاع قرار دادن خواست های مردمی که برای آزادی و عدالت انقلاب کرده بودند، کارنامه حکومت ننگین اسلامی بود. حکومت با سرکوب مردم خود را تثبیت کرد و فقر و محرومیتی که شاهدش هستیم را به مردم تحمیل کرد.

در مصر اما حکومت مرسی این قدرت را نداشت. شکاف میان ارتش که تاب مقاومت در مقابل انقلاب نیافته و در مقابل مردم عقب نشسته بود تا توسط مردم خرد نشود و خود را حفظ کند با دولت مرسی ادامه یافت و همین پاشنه آشیل این حکومت بود. این اختلافات به مردم امکان داد بار دیگر و اینبار در ابعاد بسیار وسیعتر از دو سال قبل علیه اسلامی ها به میدان بیایند. اما فقدان رهبری باعث شد نتوانند قدرت را خود به دست بگیرند. روز یکشنبه با تظاهرات عظیم مردم دیگر مسلم شد که حکومت مرسی سرنگون شده است و توان ادامه حکومت ندارد. اگر مردم رهبری متمرکزی داشتند رادیو و تلویزیون را میگرفتند و انحلال حکومت مرسی و قانون اساسی اش را اعلام میکردند و قوانین تازه و حکومت خود را اعلام میکردند. دو سال فرصت زیادی نبود که مردم خود را به یک رهبری که اراده مردم و خواست های مردم

را نمایندگی کند، مجهز کنند. نه مطالبات روشنی تدوین کردند و نه خود را در کارخانه و دانشگاه و محلات سازمان دادند و این پاشنه آشیل مردم بود. در چنین شرایطی ارتش پیشدستی کرد و با ریاکاری خود را دوست مردم خواند و زمان امور را بدست گرفت. ارتشی که دهها سال نیروی اصلی مبارک در سرکوب و بیحقوق کردن مردم و تحمیل فقر غیر قابل توصیف مردم و دستمزد روزی دو دلار به اکثریت مردم بود.

اما انقلاب مصر خاتمه نیافته است. مردم به خانه برنگشته اند و به سادگی آرام نخواهند شد. همه چیز تازه شروع شده است. بخش زیادی از مردم ماهیت ضد مردمی ارتش را میدانند. تازیانه اش را بر گرده خود لمس کرده اند. اقدامات سرکوبگرانه اش را در کارخانه و دانشگاه دیده اند و دشمنی عمیقش را با خود آموخته اند. بعلاوه در جریان دو انقلاب به نیروی خود پی برده اند. لاقط در کوتاه مدت ارتش قدرت سرکوب مردم و به خانه فرستادن آنها را نخواهد داشت. کشمکش با طرفداران مرسی نیز ادامه خواهد یافت. هرچند مرسی نه پایگاه مردمی چندانی دارد و نه ابزار قدرتی. با اینحال قدرت به سادگی در مصر یکسره نخواهد شد. در ایران نیز علیرغم سرکوبی که از بدو قدرت گیری حکومت اسلامی شروع شد اما تا خرداد ۶۰ طول کشید تا حکومت خود را تثبیت کند. در مصر اما تثبیت قدرت توسط طبقه حاکم و ارتشش ساده نیست.

انقلاب مصر تا همین جا نتایج و درس های زیادی برای مردم ایران دارد اما اینجا میخوام بر سه درس مهم تأکید کنم:

اول، ضرورت رهبری برای کسب قدرت است. انقلاب مردم مصر بار دیگر تأکیدی بود که راه نجات از جمهوری اسلامی نیز انقلاب است نه فراندنم کذائی، نه اصلاح رژیم، نه حمله نظامی نه هیچ راه دیگری. رژیم های سرکوبگر را فقط با قدرت انقلاب و خیابان با قدرت اعتصاب و نهایتا درهم شکستن ارگانهای سرکوب میتوان از پا درآورد. اما این احتیاج به یک سازمان رهبری دارد. حتی اگر ۸۰ میلیون نفر نیز در مصر به خیابان آمده بودند خودبخود قدرت به دست مردم نمی افتاد. حزب و سازمانی لازم است که مردم را در سیاست و برای کسب قدرت نمایندگی کند.

دومین درس انقلاب مصر، ضرورت در هم شکستن همه ارگانهای سرکوب از ارتش تا سازمان امنیت، از بوروکراسی حاکم تا انحلال کلیه قوانینی است که مفتخوران حاکم در طول تاریخ به نفع خود و علیه مردم وضع کرده اند. بی شک بخشی از مردم فریب ریاکاری های ارتش را خواهند خورد. همانطور که در سال ۵۷ بخشی از مردم فریب جریان اسلامی را خوردند. اما انقلاب جامعه مصر را عمیقا شخم زده است. همه جا در هر خانه و کوچه ای در هر مدرسه و کارگاه و کارخانه ای بحث های سیاسی پرباری جریان دارد. تلاش برای متشکل شدن نیز همه جا شروع شده است. تازه چشم مردم باز شده است.

و سوم، اینکه چقدر این انتخابات ها کاذب و پوچ است. طرفداران مرسی میگویند حکومت آنها اولین حکومت انتخابی در ۵۰۰۰ سال تاریخ مصر است. خیلی از دولت های دیگر هم همین را دم گرفته اند. اما انقلاب مصر ماهیت واقعی این انتخابات ها و این به اصطلاح

دموکراسی ها را هم بخوبی نشان داد. همانطور که در مطلب قبل نوشتم، حتی اگر شورای نگهبان و انواع فیلترها هم در کار نباشد اما در کدام انتخاباتی مثلا رهبران کارگری امکان تبلیغ برنامه های خود را پیدا میکنند؟ کدام رهبران دانشجویی فرصت پیدا میکنند ده دقیقه از پشت تلویزیون خواست های خود را به جامعه اعلام کنند؟ به کدام زنان مبارزی فرصت داده میشود که در رسانه های اصلی مملکت حضور یابند و بر خواست های خود تأکید کنند؟ به کدام سازمان چپ و سوسیالیستی فرصت میدهند که از امکانات عمومی برای تبلیغ برنامه خود استفاده کند؟ برعکس اینها مدام تحت فشارند، بعنوان عوامل خارجی علیه شان شانناژ میشود، دستگیر میشوند، تشکل هایشان منحل میشود یا اصلا امکان متشکل شدن از آنها گرفته میشود. و مرسی در چنین انتخاباتی برنده شده است. همین که مردم تنها یک سال پس از انتخابش در ابعاد عظیم اعلام کردند که این حکومت نماینده ما و انتخاب ما نیست، بیبربطی این دموکراسی ها با آمال و آرزوهای خود را بخوبی بر ملا کردند و این درس بزرگی برای کل جامعه بشری خواهد بود. آرزوهای مردم حتی در کشورهای غربی که آزادی های سیاسی کم و بیش وجود دارد از صندوقهای رای بیرون نیامد. این انتخابات ها در بهترین حالت رقابتی است میان احزاب طبقه حاکم که امکان صرف دهها میلیون دلار هزینه تبلیغاتی و رسانه های غول پیکری برای حقنه کردن نمایندگان خود و برنامه های خود به مردم را دارند.

انقلاب مصر ادامه دارد. و بدرجه ای که مردم در پرتو آزادی

## انقلاب مصر یک ضربه به دموکراسی



کاظم نیکخواه

دیروز ۴ ژوئیه یک اتفاق مهم و تاریخی در مصر صورت گرفت که برای همیشه در تاریخ بعنوان یک نقطه عطف مهم ثبت خواهد شد. در ادامه خیزش میلیونی مردم مصر محمد مرسی و حکومت اخوان المسلمین سرنگون شد. این کار را ارتش رسماً انجام داد اما برای همه کس روشن است که انقلاب مصر با تظاهرات ۳۰ میلیونی کار این جریان را تمام کرد. ارتش یا به میدان گذاشت تا هم با "همراهی با مردم" برای خود اعتبار از دست رفته را احیا کند و هم مانع پیشروی بیشتر انقلاب شود. این یک رویداد بسیار با اهمیت تاریخی است و از جنبه های مختلفی قابل توجه است. مهمترین جنبه این است که یک جریان با سابقه و شناخته شده اسلامی با قدرت مردمی میلیونی از قدرت به زیر کشیده شد و بی اعتبار گردید. این رویداد در کشور به اصطلاح "اسلامی" به معنای سراسیب اضمحلال اسلام سیاسی در همه این کشورها و در هر رنگ و هیتی است. اما اینجا من میخواهم بر نکته دیگری که کمتر مورد توجه قرار گرفته و فکر میکنم مدتها نادیده گرفته خواهد شد تمرکز کنم و آن ضربه ای است که دموکراسی از این انقلاب دریافت کرد. در واقع باید گفت که تحولات مصر دموکراسی را تا حد زیادی بی اعتبار کرد. طی قرن بیست تاکنون گفتمان

غالب در سطح جهان "دموکراسی" بوده است. بورژوازی و رسانه های آن توانسته اند "دموکراسی" را بعنوان حقیقت مطلق بر جوامع غالب کنند. اکثریت عظیمی از مردم این را باور کرده اند که دموکراسی یعنی آزادی. منصور حکمت شاید اولین کسی بود که این دروغ بزرگ را در یک مقاله نسبتاً کوتاه و پرمحتوا تحت عنوان "دموکراسی: تعابیر و واقعیات" افشا کرد و نشان داد که دموکراسی چیزی جز حکومت یک اقلیت یعنی طبقه سرمایه دار نیست. متأسفانه او به دلیل بیماری فرصت نکرد تا بطور همه جانبه تری به آن بپردازد. بهررو بحث ما اینست که دموکراسی به معنای آزادی نیست. دلایل زیادی برای آن وجود دارد. اما یک دلیل همین است که این هفته در مصر جلوی چشممان دیدیم. یعنی مردم طی روالی که خود آن هم قابل بحث است کسی یا کسانی را انتخاب میکنند و این منتخبین که از صندوق رای بیرون آمده اند نماینده مردم برای مدت مثلاً ۴ سال تلقی میشوند. و هر اقدامی انجام دهند را بنام مردم انجام میدهند. حال اگر این مردم راضی نباشند و حتی با تظاهرات میلیونی مخالفت کنند و بخواهند این منتخبین را عزل کنند هیچ راهی در سیستم دموکراتیک برای آن وجود ندارد. تنها راه مردم انقلاب کردن است. در قوانین برخی کشورها روزنه هایی برای انتخابات زودرس تعبیه شده است. اما آنچه پیچیده است که براحتی دولتها یا شاه و ملکه میتوانند آنرا مسدود کنند. برای نمونه در سالهای اخیر شاهد بودیم که مردم در کشورهای اروپایی بارها در صفوف صدها هزار نفره به خیابان آمدند و با لشکر کشی آمریکا و متحدانش به عراق مخالفت کردند اما کاری از پیش نبردند.

جناب مرسی از همین سوراخ دموکراسی استفاده کرده و حتی وقتی که مردم مصر در بزرگترین تظاهرات تاریخ بشر به او گفتند گورت را گم کن، میگفت من در یک روند دموکراتیک انتخاب شده ام و تا آخر دوره انتخابی ام رییس جمهور هستم. اگر سیستم دموکراتیک را معیار قرار دهیم او درست میگفت و حق داشت. الان هم برخی مفسرین بورژوا هنوز دارند نسبت به سرنگونی "یک دولت دموکراتیک" توسط ارتش اعتراض میکنند. اما جالب اینست که جرات نمیکند بگویند اگر ارتش دخالت نکرده بود و مردم با انقلابشان مرسی را سرنگون کرده بودند نظر اینها چه بود! این بحث را کسی مطرح نمیکند که بالاخره مردم حق دارند یک حکومت منتخب خود را به زیر بکشند؟ و چه راهی برای مردم برای کنار زدن یک رییس جمهور یا مقام منتخب اما منفور وجود دارد؟ وقتی مرسی میگفت من انتخاب شده ام و تا آخر دوره چهار ساله ام تکان نخواهم خورد، آیا کسی از این جماعت گفت که او دیگر اعتبار ندارد چون مردم تظاهرات میلیونی شان خواهان عزل او هستند؟ نه. به میان کشیدن مساله ارتش بهانه ای است برای اینکه نفس غیر مردمی بودن دموکراسی را پنهان کنند. تازه سیاستگزاران و مدیای بورژوایی بطور واقعی ذره ای به کودتای ارتش اعتراض ندارند. تمام آرزویشان اینست که ارتش بر سر قدرت بماند. اما میدانند که زیر پای ارتش نیز خالی است و بزودی باید بساطش را جمع کند. مردم مصر دقیقاً از تنها راهی که دارند استفاده کردند یعنی انقلاب. گرچه فوراً ارتش پیش دستی کرده و مرسی را سرنگون کرده است اما مردم قبل

از مرسی حکومت مبارک را که ستون اصلیش همین ارتش بود به زیر کشیده اند، پس از آن "شورای نظامی" و طنطاوی را کنار زدند و قطعاً ارتش هم باید هرچه زودتر برود و خواهد رفت. ما از سیستم شورایی دفاع میکنیم که به بیانی میتوان گفت دموکراسی مستقیم است و تنها سیستم تاکنون شناخته شده ای است که میتواند اراده اکثریت مردم را متحقق کند. یکی از خصوصیات مهم این سیستم اینست که مردم هر وقت اراده کنند میتوانند نمایندگان خود را عزل کنند. این یکی از دهها خصوصیت مردمی و انسانی و اجتماعی سیستم شورایی است. رد واقع مردم همیشه در شوراهایشان متشکلند و این شوراهای هستند که سرنوشت جامعه را رقم میزنند. نکته جالب توجه اینست که تکنولوژی مدرن امروزی و مدیای اجتماعی امکان

تصمیم گیری جمعی و سریع را به نحو غیرقابل باوری ایجاد کرده است. نمونه اش همین مصر است که وقتی چند جوان انقلابی فراخوان میدهند میلیونها نفر در عرض چند ساعت جمع میشوند. در این زمینه زیاد نوشته ایم و خواهیم نوشت. طبعاً تحولات مصر از جنبه های متعدد دیگری هم مهم و تاریخی و قابل توجه است و در کنار تحولات و خیزشهای ترکیه و برزیل و امثال آن در کل منطقه و در دنیا تاثیرات عظیم و غیرقابل بازگشتی خواهد گذاشت. در خاتمه توجه شما را به این مقاله که دو سال پیش نوشته شده است، جلب می کنم. عنوان این مقاله این است: "پیروزی اسلامی ها در منطقه گذراست". آنرا می توانید از طریق لینک زیر پیدا کنید:

<http://kazem-nikkhah.com/?p=933>

### مصر: مردم انقلاب کردند، ارتش پیشدستی کرد

از صفحه ۳

نمانند، از پرداخت قبض های آب و برق خودداری کنند، شوراهایشان را تشکیل دهند و اداره امور در کارخانه ها و دانشگاه ها و محلات را خود بدست بگیرند. این تنها راه مقابله با شکل گیری ضدانقلابی است که در راس آن ارتش قرار دارد و هر وقت خود را منسجم کند به جان مردم خواهد افتاد و رهبران مردم را به عنوان توطئه گر و هزار دروغ دیگر به زندان خواهد انداخت. هزار بار طبقات حاکم این بلا را به سر مردم آورده اند و اینبار هم اگر مردم متشکل نشوند همین بلا را به سرشان خواهند آورد. باید مطالبات خود را اعلام کنند و مهمتر از آن متشکل شوند و مطالباتشان را خود عملی کنند. ۴ ژوئیه (۱۳ تیرماه)

ناشی از انقلابشان خود را متشکل کنند، به همان درجه بیشتر قادر خواهند شد خواست های خود را به دولت بعدی تحمیل کنند. مردم رهبری متشکل و متمرکز که کل انقلابشان را نمایندگی کند نداشتند اما بهر درجه خود را متشکل کنند، هم به شکل دادن آن رهبری سیاسی نزدیک تر خواهند شد و هم مانع تشبیت قدرت توسط دشمنان خود خواهند شد. انقلاب باید خود را متشکل کند، میدان تحریر باید خود را بصورت دولت درآورد، قانون وضع کند و خود آنرا به عمل دربیآورد. مردم همین الان میتوانند طب را رایگان کنند و منتظر کسی نباشند، حمل و نقل عمومی در قاهره و سایر شهرها را رایگان کنند و منتظر

## شعله های خشم کارگران باز هم زیانه میکشد

نشده است.

هزاران کارگر مراکز مختلف کارگری در روزهای گذشته دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی زدند و خواهان پرداخت دستمزدها، افزایش دستمزد و سایر مطالبات خود شدند. به چند مورد از این اعتراضات توجه کنید:

### اعتصاب ۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد لوله صفا در اراک

کارگران کارخانه نورد لوله صفا صبح روز ۱۱ تیرماه بطور یکپارچه تولید را خواباندند و خواهان پرداخت دوماه حقوق و طلب خود بابت اضافه کاری شدند. بدنبال این وضعیت مدیریت کارخانه اعلام کرد صبح چهارشنبه دستمزد اردیبهشت ماه کارگران به حسابشان واریز خواهد شد اما این وعده نیز با خشم و اعتراض کارگران مواجه شد. طبق گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران در این اعتراض با اشاره به گرانیهای سرسام آور، عدم پرداخت دستمزد خود را یک جنایت نامیدند و بر ادامه اعتصاب و اعتراض تاکید کردند. مدیریت کارخانه بناچار دستمزد اردیبهشت ماه کارگران را به حساب آنان واریز کرد و متعهد شد از این پس دهم هر ماه دستمزد کارگران را پرداخت خواهد کرد. کارگران اعتصابی به اعتصاب پایان دادند اما اعلام کردند چنانچه کارفرما به تعهد خود پایبند نباشد، بلافاصله دست به اعتصاب خواهند زد. کارفرمای این کارخانه که مالک کارخانه نورد پروفیل ساوه نیز میباشد، دستمزد ۱۲۰۰ کارگر این کارخانه را نیز از اول سال پرداخت نکرده و دفترچه های درمانی کارگران نیز تمدید

### کارگران کیان تایر باز هم دست به اعتراض زدند:

بدنبال زمزمه واگذاری کارخانه کیان تایر (لاستیک البرز) به کارفرمای سابق آن، روز ۱۱ تیرماه بار دیگر شعله های آتش از این کارخانه زیانه کشید و کارگران این کارخانه دست از کار کشیدند. آتش زدن لاستیک برای جلب توجه مردم، یک سنت جا افتاده در میان کارگران کیان تایر است. بدنبال این اقدام اعتراضی از سوی کارگران، مسئولین شورای تامین استان در محل حاضر شدند و بدنبال مذاکراتی که صورت گرفت کارگران به تجمع خود پایان دادند و اعلام کردند تحت هیچ شرایطی کارفرمای سابق را به کارخانه راه نخواهند داد و چنانچه وزارت صنایع بدون توجه به خواست کارگران اقدام به اینکار کند دست به اعتراضات گسترده تر خواهند زد.

### تجمع ۳۰۰ کارگر ۳ کارگاه فرودگاه خمینی تهران:

روز ۹ تیرماه ۳۰۰ کارگر شرکت های پیمانکاری فرودگاه خمینی در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و مزایای خود دست به تجمع زدند.

### تجمع اعتراضی کارگران کارخانه کرمانیت کرمان:

روز شنبه ۸ تیر کارگران بیکار شده کارخانه کرمانیت در تداوم اعتراضات پیشین خود، در مقابل سازمان تامین اجتماعی استان کرمان تجمع کرده و خواهان رسیدگی به وضعیت کاری خود شدند. کارگران بیکار شده کرمانیت در ماههای قبل نیز دست به اعتراضات مشابهی زده بودند.

۱۰۸ نفر از ۱۷۰ نفر کارگران این کارخانه اخراج شده اند. بیمه بیکاری آنها نیز قطع شده است.

### تجمع ۵۰۰ عضو تعاونی مسکن مهر در مقابل استانداری کرمان:

حدود ۵۰۰ نفر از اعضای یکی از تعاونی های مسکن مهر در اعتراض به نحوه ساخت و ساز و عدم تحویل خانه های خود، در مقابل استانداری کرمان دست به تجمع اعتراضی زدند.

### اعتراض ۱۵۰۰ کارگر کارگران صدرا

کارگران شرکت صنعتی دریائی صدرا در بوشهر در اعتراض به عدم پرداخت سه ماه حقوق و مزایا دست به اعتراض زدند.

### اعتراض کارگران اخراجی سد ژاوه:

بدنبال اخراج ۱۱۰ نفر از کارگران سد ژاوه، کارفرما اعلام کرد که ۳ ماه حقوق معوقه همراه با سنوات کارگران را در طی سه ماه آینده به آنها پرداخت خواهد نمود. طبق گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، کارگران تهدید کردند که اگر حقوق معوقه و سنوات آنان در طی چند روز آینده

پرداخت نشود در مقابل اداره کار سندج دست به اعتراض خواهند زد.

### اعتراضات کارگران سد بزرگ کنارک

کارگران این سد که در ۱۱۰ کیلومتری شهرستان کنارک واقع شده است، میگویند در گرمای طاقت فرسا، ساعات طولانی و در شرایط بسیار سختی کار میکنند اما از کمترین حقوق برخوردار هستند و همین چندرغاز نیز ۸ ماه است به آنها پرداخت نشده است.

عدم پرداخت دستمزدهای ناچیز کارگران در حالی است که تنها در یک هفته گذشته قیمت برخی اجناس ۶۰ درصد تا ۱۰۰ درصد افزایش یافته است. اعتصابات و اعتراضات روزهای گذشته گوشه ای از اعتراضات وسیعتری است که در نقاط مختلف کشور جریان دارد.

حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت قاطعانه از این اعتصابات، کارگران صنایع کلیدی و کارگران مراکز مختلف در سراسر کشور را فرامیخواند که از اعتصابات همديگر حمایت کنند و خود را برای اعتصابات وسیع و متحد و سراسری آماده کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۲ تیرماه ۱۳۹۱  
۳ ژوئیه ۲۰۱۳

www.wpiran.org

www.rowzane.com

www.newchannel.tv

www.anternasional.com

سایت حزب:

سایت روزنه:

سایت کانال جدید:

نشریه انترناسیونال:

# کارگران جهان متحد شوید!

## از «آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند» تا «آمریکا، غلط کردم» - ۲

عباس گویا

### «آمریکا، غلط کردم»، محور سیرک انتخاباتی

ضرورت رسیدن به توازن قوای غرب با جمهوری اسلامی امروز خود را در کشمکش بر سر مسئله هسته ای برجسته کرده است. اگر چه مسئله هسته ای بخودی خود موضوع اصلی مناقشات دو طرف نیست. غرب، همچون همیشه خواهان رام کردن جمهوری اسلامی است. مجهز شدن جمهوری اسلامی چوش به بمب اتمی برایش قابل قبول نیست. آنچه از زبان روحانی توجه ها را به مضحکه انتخابات «جلب کرد نحوه برخورد به مذاکره با آمریکا بر سر انرژی هسته ای بود. کسی که حاضر باشد به مذاکره با آمریکا روی خوش نشان دهد کسی است که دارد عقب نشینی میکند، کسی است که خود را برای گفتن «آمریکا، غلط کردم» آماده میکند.

ائتلاف ملی اسلامی در حمایت از این موضع سیاسی به خط شده بود. بخشی از آن پیشتر رفسنجان را سخنگوی این سیاست میدانست. بنا به گفته خودشان، روحانی نه اصلاح طلب است، نه اصولگرا، نه میانه رو. بنابراین، این ائتلاف حول یک فرد، یک جناح و یا یک باند خاص بوجود نیامد. به طریق اولی، انتخاب بین بد و بدتر اساسا وجود خارجی نداشت. رای منفی به خامنه ای در کار نبود. [۱] ائتلافی حول یک موضع سیاسی مشخص بود که تمام جناحهای جمهوری اسلامی و از جمله خامنه ای بر سر آن ساق شده اند: «آمریکا، غلط کردم». این موضع حمایت ضمنی ناسیونالیستهای پرو غرب («سلطنت طلبان») را نیز بهمراه دارد. رضا پهلوی در مصاحبه اش با «افق» صدای آمریکا میگوید مادام که روحانی «قدمی برای مردم بردارد او اولین کسی خواهد بود که روحانی را تشویق میکند!

درست در نقطه مقابل مردم، این ائتلاف برای نجات جمهوری اسلامی بخط شده است. جمهوری اسلامی در

بن بست قرار گرفته است که برای عبور از آن باید عمل جراحی کند. ناچار است یکی از پایه های حکومتی اش را قطع کند. گزینه های پیش روی آن بیشمار نیست. برعکس، بسیار محدودتر از آنست که اصولا حق انتخابی داشته باشد. این شرایط از دو سو رژیم را تحت فشار قرار داده است و اگر نجنبد آنرا از پای میاندازد. حمید تقوایی پیشتر در مورد نقش تحریمهای اقتصادی علیه جمهوری اسلامی نشان داد که این اقدام، آلترناتیو جنگ نظامی غرب با ج. ا. بود. جنگی که نهایتا یک بازنده و یک برنده دارد. برنده آن دولتهای درگیر و بازنده آن مردم ایرانند که باید تاوان این دعوا را بپردازند. چه در زندگی «عادی» ۳۴ ساله شان، که هر محرومیتی با «دشمنی با آمریکا» توجیه میشد و چه با تحریم اقتصادی آمریکا که دودش به چشم مردم رفت. هدف دولت آمریکا سرنگونی جمهوری اسلامی نیست بلکه هدف رام کردن این حکومت قرون وسطائی بنفع بورژوازی جهانی است. تنفر مردم از جمهوری اسلامی از سوی دیگر هر آن میتواند و میتواندست به «فتنه ای» برای نان و آزادی تبدیل شود.

جمهوری اسلامی در چنین موقعیت شکننده ای به «غلط کردم» تن میدهد. حال، چگونه جمهوری اسلامی میتواند یکی از پایه های اصلی حکومت اسلامی یعنی شعار «مرگ بر آمریکا» را حذف کند و همچنان سرپا بماند؟ واضح است که نمیتواند چنین کند و هنوز جمهوری اسلامی باقی بماند. برای اینکار استدلال زیادی لازم نیست. جشنی که به بهانه «پیروزی روحانی» در خیابانها با شعارهای «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» و پرتاب حجاب منجر شد بروز کوچکی از عکس العمل مردم در فرادی بخاک سپاری شعار «مرگ بر آمریکا» توسط جمهوری اسلامی است. به این برمیگردم.

اما در نگاه اول چنین نظر میاید که جمهوری اسلامی ظاهرا توان مانورهای را دارد. اخیرا حزب الله لبنان را به سوریه بسیج و شهر قصیر را

از ارتش آزادبخش سوریه پس گرفته است. در مورد مسئله هسته ای، علیرغم ایما و اشارات مکرر خامنه ای، گوئی هنوز درب بر روی پاشنه سیاست قدیم وقت کشی و همزمان سرعت بخشیدن به غنی سازی اورانیوم میچرخد. این اقدامات اما بیشتر از آنکه در امتداد سیاستهای تا کنونی جمهوری اسلامی باشد برای دست بالا داشتن در مذاکرات پیش رو بانجام رسیده اند. جمهوری اسلامی نمیخواهد هنگامی به پای میز مذاکرات برود که کاملا فلج شده باشد. میخواهد به «غلط کردم» گفتنش پوشش پیروزی دهد. اگر مقدمه اش را فراهم نکند آنگاه با از دست دادن سوریه، لبنان را هم از دست خواهد داد و با موقعیتی بسیار ضعیف تر مجبور است غلط کند. بنابراین مادام که توان دخالت در سوریه را دارد باید پسی میز مذاکره رود. با فلج کامل اقتصادی، حتی توان تر و خشک کردن نیروگاههای اتمیش را هم از دست خواهد داد، چه رسد به غنی سازی اورانیوم. بنابر این امروز که میتواند آنها را تا صبحای دیگر بچرخاند، چشمک مذاکره را میزند.

### اهداف جمهوری اسلامی

آنچه ج. ا. در انتهای پروسه مذاکرات به آن دل بسته است تشبیت حکومت در داخل و در سطح جهانی است. اولی را با سرکوب و دومی را با مذاکره با غرب میخواهد به سرانجام برساند. پائین تر به تلاش جمهوری اسلامی برای سرکوب «فتنه بزرگ» خواهم پرداخت. رژیم وقتی وارد مذاکره و تعهد جدی با غرب شد دیگر نمیتواند همزمان شعار «مرگ بر آمریکا» و «تابود باد اسرائیل» را به سمت کسی که با او تعهد نامه امضا کرده است پرتاب کند. باید آمریکا و اسرائیل را برسمیت بشناسد. این برسمیت شناسی البته یک پروسه صاف و ساده نخواهد کرد. جمهوری اسلامی که در عرض ۳۴ سال گذشته ثابت کرده است به هیچ تعهدی وفادار نیست باید بتواند تضمین های لازم را برای غرب

مهیبا کند. ما به ازای برسمیت شناسی غرب، برسمیت شناسی جمهوری اسلامی از طرف غرب خواهد بود که در ادامه با کاهش قابل ملاحظه فشار غرب روی آن و گشودن دریاها برای ج. ا. همراه خواهد بود. یکی از امیدهای جمهوری اسلامی محدود کردن دامنه فعالیت اپوزیسیون سرنگون طلب در خارج از ایران است که قطعا بخشی از مذاکرات با غرب را بخود تخصیص خواهد داد.

در این مسیر باید طرح ساخت بمب اتم را موقتا بایگانی و به ساخت نیروگاههای اتمی برق رضایت دهد. به این ترتیب هیچیک از طرفین درگیر بازنده اعلام نمیشوند. هم جمهوری اسلامی ادعای پیروزی میکند چرا که از روز اول! قصدی بجز براه انداختن نیروگاه برق نداشته است و هم غرب از اینکه نظارتی بر پروسه نیروگاه هسته ای جمهوری اسلامی دارد مدعی پیروزی میشود. باید اینرا تصریح کرد که غرب مادام که جمهوری اسلامی رام شده باشد حتی بر سر مجهز شدن آن به بمب اتم مشکلی ندارد. برژینسکی اینرا با «ما میتوانیم با جمهوری اسلامی اتمی زندگی کنیم» بیان کرده است. آنچه که قرار است پسی میز مذاکره برود پذیرش شکست تروریسم اسلامی و توافق در قدر قدرتی آمریکا است. این بالانس قدرت با توقف پروژه ساخت بمب اتم و توافقی در مورد عقب نشینی جمهوری اسلامی در سوریه، لبنان و عراق به سرانجام خواهد رسید.

### استحاله، انتگراسیون، سرنگونی

آیا این پروسه بمعنای «استحاله» جمهوری اسلامی است؟ آیا جمهوری اسلامی توان انتگره شدن در اقتصاد سیاسی سرمایه داری را دارد؟ «استحاله» اگر بمعنای تغییری ساختاری در حکومت در خدمت رفاه و آسایش مردم باشد، خیر. جمهوری اسلامی استحاله پذیر نیست. تا آنجا که به انتگره شدن آن به بازار جهانی سرمایه داری برمیگردد، نمیتوان کاسه

داغتر از آش شد. اما اگر فقط بخواهیم به فاکتورها مراجعه کنیم، تجارب ترکیه و مصر نشان میدهند که «حکومت اسلامی و سرمایه داری متعارف» یک تناقض در خود است. بهر رو، چه بورژوازی جهانی جمهوری اسلامی را در خود انتگره کند یا نه، این رژیم همچنان یک حکومت اولترا راست مذهبی، خشن، ضد زن، ضد کودک و ضد کارگر سرمایه داری است که باید سرنگون شود.

### فتنه بزرگ

شرایط فلاکت بار اقتصادی مردم زحمتکش حتی پیش از تحریمها کافی بود تا به شورش گرسنگان علیه جمهوری اسلامی منجر شود. حال تحریم اقتصادی، که خود تحمیل دعوی جمهوری اسلامی با غرب - دعوی دو قطب تروریستی - به مردم است را به آن اضافه کنید. امکان شورشهای مردمی برای «نان و آزادی» هر آن ممکن بود و هست در هر کجای ایران بوقوع بپیوندد. اما آنچه از طرف ج. ا. «فتنه بزرگ» خطاب شد ربط مستقیمی به شورشهایی از این جنس نداشت. جمهوری اسلامی با ارسال سگهایش به خیابانها در حول و حوش مضحکه انتخابات میخواست مانور نیروهای سرکوبگرش را برای فردای «آمریکا، غلط کردم» بنمایش بگذارد. مانور جمهوری اسلامی قبل از هر چیز برای سرکوب مطالبات زحمتکشانی است که در فردای روابط محتمل حسنه با آمریکا گلوی جمهوری اسلامی را بقصد مرگ خواهند فشرد. وقتی مستمسک «آمریکا» در توجیه محرومیت مطلق مردم کنار زده شد، طبیعی ترین عکس العمل زحمتکشان، پارهنه های جامعه طرح مطالباتشان برای یک زندگی انسانی است. رژیم اینرا بخوبی میداند و برای سرکوب آنها آماده میشود. در انتخاباتی که محورش مذاکرات هسته ای بود دست به مانور مقابله با «فتنه

## مصر، بزرگترین تظاهرات تاریخ بشر

را که رای به سرنگونی حکومت مورسی داده اند نشان میدهند. این واقعی ترین انتخابات است. نه فیلتری در کار است نه شورای نگهبانی و نه قدرت سرکوبی توسط اوباش حکومتی. آنجا که با قدرت انقلاب، آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده بر خیابانها حاکم میشود، رای واقعی مردم هم دیده میشود. "زیر حجاب اختناق" تصاویر و خواستههای واقعی مردم نه تنها توسط دولت بلکه همچنین توسط رسانه های نان به نرخ روز خوری مانند بی بی سی و یا احزاب حاشیه ای حکومت مانند اصلاح طلبان در ایران، مخدوش میشود. زنده باد انقلاب مردم مصر که راه واقعی خلاصی از شر حکومت های مرتجع و ضد مردمی را نشان میدهد. خلاصی از این حکومت ها اولین قدم بسوی رهائی واقعی یعنی آزادی، برابری و رفاه است. مرگ بر حکومت های اسلامی و نیمه اسلامی در ایران و مصر و ترکیه و همه جا ۱ ژوئیه ۲۰۱۳ (۱۰ تیرماه ۹۲)



همان نقشی را بازی خواهند کرد که در سرکوب دهه ۶۰ بازی کردند. قلمها، سایتها و دوربین فیلمبرداری را کنار میگذارند. به اوین برمیگردند تا شکنجه کنند، به خیابان برمیگردند تا پوز به سر زنان بزنند. از هوادارانشان خواهد خواست انقلابیون را لو دهد.\*

انقلابی مردم در میان پرچم های دولتی کمرنگ شود. پلاکاردهای با شعار ارحل (کم شو) همه جا دیده میشود و پرچم های حکومتی در مقایسه با این خواست و فریاد میلیونی مردم گم و گور میشوند. یک التیماتوم میگوید که مورسی باید قبل از ساعت ۵ عصر سه شنبه فردا کاخ ریاست جمهوری را ترک کرده باشد. در غیر اینصورت اعتراض باز هم گسترش خواهد یافت. ۴ نفر از نمایندگان پارلمان دولت مورسی از مصر فرار کرده و گفته میشود به قصد پناهندگی به انگلیس رفته اند. گزارشی میگوید که ظرف ۴۸ ساعت گذشته بین ۶۰ تا ۸۰ هزار نفر مصر را با هواپیما ترک کرده اند. فضای مصر شبیه روزهای پایانی حکومت حسنی مبارک است. هیچکس مطمئن نیست که روز بعد سر کار خواهد رفت یا نه. صحبت از تحصن در همه جا و نه فقط میدان التحریر است. تصاویر دریای جمعیت انقلابی

ملی اسلامی هاست و دیگری دول و رسانه های غربی. [۲] اولین پیام روحانی پس از ریاست جمهوری شدنش نشان دادن طناب دار بود. همزمان، دوم خردادی کمپین "صبر داشته باشید" را آغاز کرد. دوم خردادی همراه با اکثریتی توده ای در هنگام "فتنه بزرگ" آتی

اصغر کریمی سی ان ان از حضور ۳۳ میلیون تظاهرات کننده در روز یکشنبه ۳۰ ژوئن (۹ تیرماه) خبر داده است و بی بی سی ورلد سرویس هم آنرا تایید کرده است. ریتزر آمار تظاهرات دیروز را ۱۴ میلیون برآورد کرده است. روزنامه مصری "شوک" ساعت ۱۰ شب یکشنبه از ۱۷ میلیون نفر در قاهره و شهرها و روستاهای مصر خبر داده است. با تاریخ شدن هوا عده ای از مردم میدانها را ترک کرده و به خانه رفتند اما میلیون ها نفر دیگر بیرون آمدند و جمعیت طبق برخی گزارشات از مرز ۳۰ میلیون نفر در سراسر مصر گذشت. پیر و جوان، زن و مرد، خانواده ها. در این لحظه بود که سی ان ان اینرا بعنوان بزرگترین تظاهرات تاریخ بشر اعلام کرد. (احتمالا بی بی سی فارسی هم به یکی دو میلیون نفر راضی شود!). هلی کوپترهای ارتش پرچم های مصر را به میان جمعیت پرتاب میکنند تا پلاکاردها و بنرهای

متکی است. جمهوری اسلامی فقط به اسلحه متکی است. علاوه بر جمهوری اسلامی دو جریان سیاسی مرتب بر طبل "آمار" شرکت کنندگان در سیرک جمهوری اسلامی میکوبند. دو جریانی که بلافاصله در اعلام "آمریکا، غلط کرد" جمهوری اسلامی ذینفعد. یکی کلیت ائتلاف

## از «آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند».....

از صفحه ۶

نهایتا آنچه سرنوشت فردای "غلط کرد" جمهوری اسلامی به آمریکا را تعیین میکنند عزم و اراده مردم در جنگشان با جمهوری اسلامی برای دستیابی به ابتدائی ترین حقوق انسانی از طریق سرنگونی حکومت است. در این میان حزب ما میتواند نقش تعیین کننده در جهت دادن به تلاطمات اجتماعی که در پیش رو است بازی کند. اولین قدم در اینراه بیان شفاف سناریوهائی است که در مقابل مردم قرار گرفته است.

### زیرنویس

[۱] جمهوری اسلامی با مضحکه اخیرش قصد مشروعیت خواهی از مردم را نداشت. جمهوری اسلامی بخوبی میداند نه تنها در میان مردم مشروعیتی ندارد که حتی اگر بخواهد ادای آنرا دربیآورد و برای چند دقیقه ای گله های نظامیش را به پشت پرده بفرستد، موجودیت خود را بخطر انداخته است. جمهوری اسلامی قصد داشت اعلام کند که برجامعه مسلط است، که بحران ۸۸ را پشت سر گذاشته و "تثبیت" شده است. از منظر جمهوری اسلامی، صرف برگزاری يك "انتخابات" زیر سر نیزه ۳۰۰ هزار گله تا دندان مسلح بسیجی، حکم "تثبیت و مشروعیت" را دارد. این نوع اعلام مشروعیت اساسا مصرف خارجی دارد نه داخلی. دول غربی به يك توجیه نیاز دارند تا در فردای مذاکراتشان با جمهوری اسلامی، آنرا "مشروع" اعلام کنند. جمهوری اسلامی آمار هفتاد و دو ممیز هفتاد و دو صدم درصد (۷۲،۷۲%) شرکت مردم در انتخابات را سر هم کرد. "حماسه" امام حسینی و عدد مقدس "۷۲" مضحکه جمهوری اسلامی را کامل کرد تا به نیاز "مشروعیت" خواهی پاسخ دهد. در هر رو، کسی که به آمار جمهوری اسلامی در مورد مضحکه هایش متکی شود یا سوراخ دعا را کلا گم کرده یا فریبکار است. جمهوری اسلامی نه به رای مردم کوچکترین اهمیتی میدهد و نه به رای دهنده

بزرگ" فردا زد تا بگوید "توقعی نداشته باشید". جمهوری اسلامی خود را برای سرکوب مردم پس از نوشیدن جام زهرآماده میکند، درست مانند سرکوب جامعه پس از جام زهرش در جنگ با عراق. جمهوری اسلامی میدانند که کنار گذاشتن ضد آمریکائی گری - مستمسکی که با آن مردم را از ابتدائی ترین حقوق محروم میکرد - بدون تلاطمات اجتماعی میسر نخواهد بود. جواب جمهوری اسلامی به این تلاطمات، جواب همیشگی آن یعنی سرکوب مردم است. طنابهای دار بعد از انتخابات، "صبر کنید" دوم خردادها [۲]، گله های ۳۰۰ هزار نفره بسیج در خیابانها در حول و حوش مضحکه انتخابات اجزای يك سیاست مشخص هستند.

### در خاتمه

آنچه که بقول مارکس تاریخ را میسازد مبارزات انسانهای زنده برای به کرسی نشاندن خواستههایشان است. اینکه جمهوری اسلامی تلاش میکند رابطه اش با غرب را نرمالیزه کند معنایش موفقیت در آن امر نیست. دو پهلو گفتن های خامنه ای دقیقا در خدمت عقب نشینی احتمالی ج. ا. از این موضع است. در ثانی دوره کنونی دوره پسا جنگ با عراق نیست که جمهوری اسلامی بتواند بسادگی سرکوب کند و جامعه را ساکت نگه دارد. مسلما غرب در فردای مذاکرات و توافقاتش با ج. ا. از فشار خود روی آن میکاهد، انتقادات "حقوق بشری" اش به جمهوری اسلامی بایگانی میشود و مانند دهه ۶۰ سعی میکند سرش را به طرف دیگری بچرخاند. و قابل پیش بینی است که ج. ا. بموازات اعلام "آمریکا، غلط کرد" سگهای تا دندان مسلح و طنابهای دارش را به رخ مردم میکشد. اما این سوال اساسی همچنان باقی میماند: آیا پابرهنگان از مطالبات خود برای يك زندگی انسانی کوتاه خواهند آمد؟ قطعاً خیر.

## درد به زنان مصر، زنان مصری تاریخ را رقم میزنند

(از ویلاگ مینا احدی)

در صفحه فیس بوکم دیدم که امروز چهارشنبه ۳ ماه ژوئیه ساعت ۵ بعد از ظهر زنان در مصر یک راهپیمایی بسوی میدان التحرير خواهند داشت. زنان مصر یکبار دیگر از حقوق و حرمت انسانی خود و از برابری کامل زن و مرد دفاع کرده و اعلام میکنند که علیه حکومت مرسى هستند و در عین حال در تغییر و تحولاتی آتی

در مصر میخواهند نقش بازی کنند. آنها بیانیه ای منتشر کرده اند که در اینجا متن انگلیسی آنرا مشاهده میکنید. بیانیه ای که عنوان آن اینست: "زنان مصری تاریخ را رقم میزنند". در این بیانیه اتحادیه فمینیستی مصر که متشکل از چندین سازمان و نهاد مدافع حقوق زن است، خود را جزیی از جنبش ترمرد میدانند و امروز میخواهد با یک راهپیمایی توجه ها را یکبار دیگر به نقش و

حضور زنان و در عین حال حق و حقوق زنان جلب کند. هیچ دولتی در آینده مصر نباید و نمیتواند فقط از مردان تشکیل شده و در مورد زنان حرف بزند و تصمیم بگیرد. هیچ دولتی نمیتواند در آینده مصر قوانین را کماکان اسلامی و مبتنی بر شریعت و نابرابری اعلام کند. هیچ دولتی نمیتواند زنان را حذف کند. زنان نیمه جامعه هستند و در این انقلاب بزرگ و تلاطم های عظیم

اجتماعی نقش پیشرو داشته و سنگر به سنگر جنگیدند. اخوان المسلمین و مرسى نمایندگان جنبش اسلامی و نمایندگان ضدیت با زنان و زن ستیزی اسلامی بودند و هنوز پایشان گرم نشده، حمله به زنان را آغاز کردند.

بنظر من اگر این راهپیمایی امروز با

قدرت برگزار شود يك راه را به همه نشان میدهد. زنان باید در همه انقلابات و اعتراضات در عین شرکت فعال جنبش دفاع از حقوق انسانی خود را سازمان دهند. باید متشکل شوند و از حقوق خود متحدانه و قدرتمند دفاع کنند. جامعه ای که قرنها با ویروس مردسالاری و زن ستیزی و بویژه با ویروس مذهب اسلام آغشته شده، باید در همه زوایا و جوانب آن برای تحمیل حقوق زنان جنگید و این میسر نمیشود مگر با اتحاد و همبستگی و تشکل و هوشیاری در همه زمینه ها.

ما زنان در ایران باید این درس را آموخته و خود را متشکل کنیم. بویژه اینکه در ایران همیشه ضربه گیر های اسلام و حکومت اسلامی در مقابل ما صف کشیده و اعتراضات را تخطئه می کنند. کاسه لیسان حکومتی، دوم خردادی ها و روشنفکران مذبذب و آلوده به جنایت، سوپاپ اطمینانی میشوند برای حمله به زن ستیزی و دفاع از حرمت زنان. اینرا بارها تجربه کرده ایم.

درد به زنان پیشرو رزمنده مصر مینا احدی ۳ ژوئیه ۲۰۱۳



## در وحشت و استیصال از پخش زنده مسابقات ورزشی!

فرح صبری

درفته های اخیرموضوع مسابقات ورزشی به مرکز توجه مردم قرار گرفت. پیروزی ورزشکاران فوتبال و صعود آنها به جام جهانی و بدنبال آن پیروزی تیم والیبالی ایران مقابل ایتالیا باعث نشاط و شادی در بین مردم شد. در جامعه ای مثل ایران که ۳۴ سال است که جایی برای بروز انرژی و شادی انسانی خود نداشته است، این موضوعات پیش آمده مهلتی است تا جوانان فریادهای فروخورده

ای را که در گلو داشته اند، بیرون بریزند. همین حکومتیان و ارادل و اوباش وابسته به آن را به هراس می اندازد.

این انرژی و نشاط قسمتی از زندگی مردم است و زنان نیز جدا از این پروسه نیستند. در تمام سالهای حکومت آپارتاید جنسی خواست حضور زنان در باشگاههای ورزشی و حضور در تمامی ورزشها یکی از عرصه های نبرد زنان علیه اسلامیان بوده است. در چنین شرایطی است که امروز موضوع پخش

مسابقات ورزشی از تلویزیون حکومتی و حضور زنان بیحجاب در بین تماشاگران نیز به یک مساله ی بحث برانگیز بدل شده است. چرا که کپک زده های اسلامی از پخش تصاویر زنان تماشاچی مسابقات در خارج کشورشان نیز در هراس هستند و پخش زنده ی مسابقه ی والیبالی بین ایران و ایتالیا به معضلی برایشان تبدیل شد. ضرغامی مدیر تلویزیون حکومتی میگوید: "پخش زنده ی مسابقه ی والیبالی از پخش مناظره های انتخاباتی نیز

پر دردم تر بوده است". در این مورد کاملاً حق با آقای ضرغامی است چرا که در مناظره های انتخاباتی بدلیل کنترل شدید، خودشان هم از دیدن این دلقلق بازی مسخره بین کاندیداها به کسالت رسیدند و با موج نفرت و تمسخر و طنز مردم مواجه شدند. به طوریکه خود آقای ضرغامی در گفته هایش به طنز هایی که مردم برای مناظره ها ساخته اند، از جمله جوك هایی که برای خانم اشتون و جلیلی در بین مردم رواج یافته بود اشاره میکند.

هر چند که مجبور شدند بعد از دوره دوم مناظره ها به قول خودشان کمی تنور را داغ کنند. اما در هر حال همه ی اینها کاملاً کنترل شده بود چون به صورت زنده پخش نمیشد. اما در پخش مسابقه ای که در ایتالیا برگزار شد، با زنانی روبرو بودند که تحت سیطره ی کثیف اسلامیان قرارداشتند و حتی تصویرشان در تلویزیون و در آن سوی مرزها نیز لرزه به اندام جانوران اسلامی انداخت.

همه ی تلاششان را کرده بودند تا تمامی تصاویر "نامناسب" را سانسور کنند، تا جاییکه هر

ادامه صفحه ۸



## با لباسی که هر بار بدن مرا زخم میکند، رکورد شنا را شکستم

### صنم رشیدی از ایران

شکست.

این داستان زندگی زنان در حاکمیت رژیم اسلامی است. در ایران جمهوری اسلامی زنان در عرصه ورزش نیز از تبعیض جنسیتی در امان نمانده است. در حاکمیت رژیم اسلامی زنان در بسیاری از رشته های ورزشی چون تنیس، فوتبال، والیبال، شنا و غیره محرومند و تنها رشته هایی همچون تیراندازی، شمشیر بازی آنهم به شرطی که قوس و زاویه پیکر زن دیده نشود - زیر فشار اعتراضات خود زنان - پذیرفته شده است. دیوار این آپارتاید تا آنجا بلند است که حتی پدران را از دیدن قهرمانی دخترانشان در عرصه ورزش محروم کرده است. الهام در گفتگو با رسانه ها میگوید، با اینکه هنگام شنا،

عرصه ورزش يك عرصه جنگ با رژیم برای زنان در ایران است. داستان الهام اصغری قهرمان شنا در ایران را همه شنیده اید. او میگوید: "با لباس فضانوردی رکورد شکستم ولی مسؤولان به لباس من گیر داده اند! پوشش من به اندازه يك لباس فضانوردی آزردهنده و سنگین بود، اما چاره دیگری نداشتم. اکنون اگر لباسی از این جنس و با همین حجم را به تن آقای حسین رضازاده کنید و از او بخواهید تا وزنه بزند، همان لحظه دوباره از این رشته خداحافظی می کند." در چنین شرایطی الهام اصغری با شنای ۱۸ کیلومتر در میان امواج دریای خزر رکورد



هستم چون رکورد من قانونی بوده و باید ثبت شود. من با لباس هایی که هر بار بدن مرا زخم می کنند رکورد زدم!"

سخنان الهام گوشه ای از واقعیت زنده ایست که در حاکمیت آپارتاید جنسی شاهدش هستیم. اما مردم ایران و زنان معترض تسلیم این بردگی جنسی و این بربریت نمیشوند.

سرانجام الهام میگوید: "من وقتی ساعت ها در دریا شنا می کنم و تسلیم امواج نمی شوم، برایم قابل پذیرش نیست که حالا در مقابل تصمیمات و نظرات شخصی برخی مسؤولان سر فرود بیاورم، به همین دلیل همچنان در حال پیگیری حق قانونی خودم

پوشش اسلامی را کاملاً رعایت کردم. با اینکه ناظران "قانونی" رژیم نیز تمام مدت در پلاژ بودند، با این استدلال که چیزی به اسم لباس شنای آزاد بانوان در وزارت ورزش تصویب نشده است، ثبت رکورد وی از نظر "شرعی" را مشکل دار خواندند.

## در وحشت و استیصال از پخش زنده مسابقات ورزشی!

از صفحه ۹



جامعه یارای هیچ صبیری را ندارد و در اولین فرصتی که بدستش برسد تمام قبای اسلام را بر تن جنایتکاران ریز و درشت تکه و پاره میکند. پایین ترین مطالبه ی ما برجیده شدن تمامی بساط اسلامیون و همه ی قوانین ضد انسانی آن است. اما یقین بدانید به این جا کفایت نخواهیم کرد و تا بر قرای دنیایی شاد و مرفه برای همه انسانها از پای نخواهیم نشست.

میگذرانند چیست؟ و یا دختر ۱۳ ساله ای که بابت بدهی پدرش به مرد ۵۰ ساله ای در واقع فروخته میشود، مطالبه را چگونه معنی میکند؟ گمان میکنید با جماعت کوران طرف شده اید؟ جای جای این جامعه ی زخم خورده پر از دردهای عجیب و غریب است که کمتر کسی یارای سخن گفتن در باره ی آنها را دارد. آنوقت نفس اصلاح طبان اسلامی از جای گرم در میاید که حوصله کنید! این

در حالیکه جنایتکاران اسلامی قصد دارند برای حفظ بقایای پوسیده شان حلقوم مردم را هر چه بیشتر بفشارند جناب سید خندان شیخ خاتمی گوهر افشانی میکنند که "سطح مطالبات را پایین بیاورید". باید به این شریک دزد جمهوری اسلامی گفت که در جهنمی شما برای مردم ساخته اید دیگر هیچ جنبنده ای حتی به صورت مجازی راه نفس کشیدن ندارد. شما نه تنها با پخش زنده تصاویر که با زنده بودن مشکل دارید. میخواهید زنان را مثل مومی در دستهایتان داشته باشید. میگوئید مطالبات را پایین بیاورید. اصلاً میدانید معنی مطالبه برای زنی که همراه دخترش در يك اتاق ۸ متری بدون یخچال تابستان داغ را درگوشه ای از يك کارخانه ی دور افتاده

ماهواره ها خواهند رفت". ضرغامی راه پس و پیش ندارد. تنها راه باقیمانده برای تفکرات پوسیده ی اسلامی این است که کپه ی مرگشان را بگذارند تا مردم يك نفس راحت بکشند. در نگرانی از ریزش پایه های اسلام و سرنوینی پرچم حجاب، علی مطهری و داردسته ی "میانہ رو" و "اعتدال گرایش" هم شریک هستند و از ضرغامی برای پخش زنده ی مسابقه انتقاد میکنند. این در حالیست که جناب آقای علی مطهری در يك گفتگوی تلویزیونی تائید کرد که از سوی کلید دار بزرگ آقای روحانی برای تصدی وزارت فرهنگ و اسلامی دعوت شده است. این همان "خردگرایی" و "عقل محوری" است که جناب داردسته ی روحانی و شرکا نویدش را به مردم داده اند.

بیننده ای را دچار سرگیجه میکرد، اما از دستشان در رفته بود و چندین بار تصویر زنان بیحجاب ایرانی که برای تشویق تیمشان آمده بودند، خاطر پشم الدین های اسلامی را آشفته کرد. این يك معضل مهم جمهوری اسلامی وصدا و سیمای آنست. بطوریکه ضرغامی از همین حالا خواب در چشم ندارد و نمیداند برای پخش مسابقه ی بعدی بین ایران و کوبا چه خاکی بر سرش بریزد. او میگوید: "ما اگر بخوایم شرع را رعایت کنیم باید مسابقه روز شنبه ایران و کوبا را نشان ندهیم چون به دلیل گرمی هوا وضعیت تصویر بدتر هم خواهد شد. حالا اگر بازی را نشان ندهیم این تماشاگران به سرآغ

## عبور از "اسلام معتدل" و دموکراسی یک درصديها

از صفحه ۲

توده مردم انقلابی فروخت.

در يك مقياس جهانی میتوان گفت انقلاب مصر نماینده و سمبل شورش توده های میلیونی مردم جهان علیه سلطه و حاکمیت سرمایه در همه کشورها است. جنبش عظیمی که يك بروز آن را در مانیفست جوانان غزه و خودسوزی بوعزیزی در تونس و شورش جوانان در لندن و این اواخر در سوئد و جنبش نود و نه درصديها در نیویورک دیدیم و بروز دیگر آن جنبشهای توده ای جاری در برزیل و ترکیه است.

انقلاب مصر در پیشاپیش این صف قرار دارد و در پایه ای ترین سطح ریشه و علت آنرا باید در به آخر خط رسیدن و بی افقی سرمایه جهانی هم از نظر اقتصادی و هم از نقطه نظر سیاسی و اجتماعی جستجو کرد. نمیتوان چنین انقلابی را با پنبه دموکراسی و ارتش مهربان و اسلامیسیم و ناسیونالیسم سر برید. ناگزیرند از روبرو به جنگش بیایند.

میپرسید چگونه انقلاب باید خود را برای این رو در روئی آماده کند؟ به نظر من با اشغال میدین و مراکز شهرها، شکل دادن به تشکلهای نوع شورائی و بدست گرفتن اداره امور جامعه. اشغال میدین و خیابانها شیوه ای بود که انقلاب مصر در جهان رواج داد. مشخصا جنبش اشغال در غرب از اشغال التحریر الهام گرفت. اما انقلاب میتواند و باید از این فراتر برود و برای اعمال اراده مستقیم توده مردم در اداره امور جامعه به خود شکل بدهد. اشغال شهرها نه فقط بعنوان نیروی معترض بلکه بعنوان نیروی اداره کننده جامعه، نطفه های این حرکت را در جنبش اشغال در غرب شاهد بودیم و اکنون نوبت انقلاب مصر است که از جنبش نود و نه درصديها الهام بگیرد و کنترل امور جامعه را خود در

دست بگیرد. بخصوص تکنولوژی مدیای اجتماعی این را امروز کاملا امکان پذیر میکنند. این نوع اعمال دخالت مردم در امور خود، در کنار خود سازماندهی و خود گزارشدهی انقلاب از طریق شبکه های جهانی مدیای اجتماعی و جلب حمایت و پشتیبانی توده های مردم جهان، امری که فی الحال بوسیله توده های انقلابی انجام میشود، اولاً عملاً سرکوب انقلاب را بسیار مشکل میکند و ثانياً زمانی هم که این رویارویی رخ بدهد توده مردم متشکل در تشکلهای نوع شورائی امر مقاومت و باریکاد بندی خیابانی و قیام و نهایتاً تعرض مسلحانه به نیروهای سرکوبگر را بسیار سریعتر و موثر تر میتوانند سازمان بدهند.

انترناسیونال: شما قبلاً هم در بررسی انقلابات منطقه و همچنین جنبش اشغال بر اهمیت اعمال اراده مستقیم مردم تاکید کرده اید. کلاً جایگاه این امر در جنبشهای انقلابی دوره ما چیست؟

حمید تقوائی: به نظر من در يك سطح استراتژیک، و مستقل از درجه احتمال سرکوب انقلاب، اعمال اراده متشکل مردم و ایفای نقش تشکلهای توده ای نوع شورائی بعنوان ارگانهای اداره امور جامعه در به پیروزی رسیدن انقلابات عصر ما نقش حیاتی و کلیدی ای ایفا میکنند. يك درد و مساله توده مردم جهان - نود و نه درصديها - در غرب و در شرق بی اختیاری و بی حقوقی و بی تأثیری آنها در امور سیاسی و اجتماعی است و بهمین دلیل يك خصلت ویژه جنبشها و انقلابات چند ساله اخیر نفی دولت مافوق مردم و گرایش و تمایل عمیق توده مردم به دخالت مستقیم در سرنوشت خود بوده است. این را مشخصاً در جنبش ضد کاپیتالیستی نود و

نه درصديها مشاهده کردیم و امروز تجربه برزیل و ترکیه تاکید مجددی بر این واقعیت است. دو کشور اخیر بخصوص از این لحاظ مهم اند که الگوهای نسبتاً موفق رشد بوده اند. هم اقتصاد ترکیه و هم بخصوص برزیل در حال عروج و رشد بود و هر يك از دو کشور خیال تبدیل شدن به يك قدرت منطقه ای در جغرافیای سیاسی خود را در سر میپوراند. سر بلند کردن جنبشهای توده ای در این کشورها نشاندهنده نارضایتی عمیق توده مردم حتی در جوامع نسبتاً موفق سرمایه داری است. یکبار دیگر روشن میشود که رشد و رونق و شکوفائی اقتصادی تنها به "يك درصديها" مربوط میشود و نه به کارگران و توده مردم زحمتکش جامعه. معلوم میشود که نارضایتی و اعتراض توده مردم به نفس سیستم سرمایه داری است و نه به نارسائی ها و کمبودهای آن. البته برای پی بردن به خصلت ضد کاپیتالیستی انقلاب مصر و دیگرانقلابات موسوم به بهار عرب نیازی به تجربه ترکیه و برزیل نبود. ما از همان آغاز گفتیم این انقلابات علیه فقر و بیحقوقی سیاسی و اجتماعی توده مردم است و نه صرفاً علیه دیکتاتوری. و امروز توده های میلیونی مردم مصر در تجربه مستقیمشان هر روز بیشتر متوجه میشوند که با يك سیستم و نظام طرفند و نه با این یا آن دولت و یا فرد دیکتاتور. متوجه میشوند که دموکراسی و انتخابات و صندوق رای نیز پاسخگوی نیازها و خواستها انسانی آنان نیست و باید خود مستقیماً امور را در دست بگیرند.

این تمایل به اعمال اراده مستقیم و بدست گرفتن امور خود، که از نظر شکل در شیوه اشغال التحریر خود را نشان میدهد، در واقع پاسخ انقلاب به مساله قدرت سیاسی است. به نظر من نه تنها انقلاب مصر بلکه

کلاً انقلابات عصر ما وقتی به پیروزی میرسند که در برابر دولت مافوق مردم، دولت سازمانیافته از توده مردم، دولت نوع شورائی، را سازمان بدهند و امور جامعه را خود در دست بگیرند.

انترناسیونال: اجازه بدهید به انقلاب مصر باز گردیم. شما سیر تحولات بعد از برکناری موریسی را چگونه میبینید؟ مشخصاً انقلاب چگونه میتواند پیروزی کند و به پیروزی برسد؟

حمید تقوائی: به نظر من نه دولت موقتی که ارتش سر کار گذاشته و نه دولتی که قرار است بعداً با انتخابات سر کار بیاید، پاسخی برای خواستهای بر حق و عاجل توده مردم کارگر و زحمتکش مصر ندارد. از نظر طبقه حاکمه مصر و بورژوازی جهانی وظیفه این دولتهائی که بعد از مبارک سرکار می آیند عقب راندن انقلاب و تشبیت نظام و قدرت سیاسی ضربه خورده از انقلاب است. اما تا امروز نه تنها در این امر موفق نبوده اند بلکه انقلاب هر روز عمیق تر و گسترده تر شده و پیشرویهای بیشتری کرده است. انقلاب تا امروز از دو مانع مهم، یکی دموکراسی پناهی و قوطی بگیر و بنشان انتخابات و صندوق رای، و دیگری نیروهای اسلامی میراث خوار انقلاب، با موفقیت عبور کرده است و اکنون باید در برابر ارتش و هر مانع دیگری که در برابرش قرار میدهند خود را مجهز و آماده کند. این آمادگی در نهایت به ایفای نقش يك سازمان انقلابی رهبری کننده گره خورده است. باید امیدوار بود و با تمام توان تلاش کرد که در روند انقلاب يك نیروی کمونیست انقلابی که عملاً بتواند نماینده و سخنگوی انقلاب باشد و افق سازمانیابی شورائی را که در بالا توضیح دادم در برابر جامعه قرار بدهد سر بلند کند و به جلوی صف انقلاب رانده شود.

## مسعود بارزانی ۸ به اضافه ۲ شد

### ریاست مسعود بارزانی بر اقلیم کردستان عراق به مدت دو سال تمدید شد



نسان نوپینیان

شیعی در عراق، قیچی کردن رونق اعتراض توده ای و مردمی به نفع بند و بست از بالا برای کسب قدرت، از پرونده های ناسیونالیسم کرد و در راس آنها مسعود بارزانی و جلال طالبانی میباشد.

تمدید ریاست مسعود بارزانی بر اقلیم کردستان نارضايتی بخشهایی از ناسیونالیسم کرد را موجب شده است و تعدادی این اقدام را "نادمکراتیک" خوانده اند. این ها همه طنز تلخ تاریخ است. مسعود بارزانی منتخب رای مستقیم مردم کردستان عراق نبوده و نیست. او میراث دار سنت عشیره ای "خانواده" بارزانی و نتیجه ریاست او بر اقلیم کردستان، بند و بست احزاب ناسیونالیستی و اسلامی از یک طرف و امتیاز و آوانس های آمریکا و موثلفین او در عراق است. شکاف و جنگ جناحهای این ناسیونالیسم هر روز ترک و شکاف بیشتری بر میدارد. چپاول ثروت و دارائی های حاصل از نفت و بودجه های ارسالی به کردستان عراق به مشتی از بورژواها و مفت خورها تعلق دارد. ثروت و سامان پارلمانتاریستهای اقلیم کردستان از میلیارد ها دلار عبور کرده است. فساد مالی و دزدی بیداد میکند. "پارلمان" اقلیم کردستان امروز خانه امن دزدان و چپاولگران جامعه در کردستان عراق تبدیل شده است. "پارلمنتاریستها" نمیخواهند این خانه منفجر شود. دزدان و چپاولگران آواره میشوند. چه اقدام و راه کاری بهتر از این میتواند اینها را در خانه امن دزدها نگه دارد! تمدید ریاست مسعود بارزانی بر اقلیم کردستان عراق! دمکرات ترین رای و انتخاب!

سرانجام با چند زد و خورد و پرتاب بطری های آب به همدیگر نمایندگان اطراق کرده در "پارلمان" کردستان حکومت هه ریم، در یک اقدام بسیار دمکراتیک (نشست گرفته از دمکراسی پارلمانی و تمرین شده توسط دمکراسی خواهان در ایران و عراق) ریاست مسعود بارزانی بر اقلیم کردستان عراق به مدت دو سال تمدید شد. حزب دموکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی با همکاری حزب اتحادیه میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی، کردستان عراق را اداره می کند. هه ریم کردستان در شکل فدرالیستی و یا بعنوان بخشی از حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد برآمده از طرح کولونیالیستی ایجاد یک "پناهگاه امن" که سر منشا و آغاز محروم کردن مردم از هرگونه حق شهروندی به مردم کردستان تحمیل شده بود، میباشد. حزب دمکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی از مهندسی و مجریان تبدیل توده های وسیع مردم کردستان به زاده سیاست امپریالیستی، تائید صریح تهاجم آمریکا به مردم محروم عراق از کرد و عرب، تعمیق شکافهای ملی میان زحمتکشان عرب و کرد، ائتلاف با ارتجاعی ترین نیروهای محلی نظیر بنیادگرایان اسلامی

## عبور از "اسلام معتدل" و دموکراسی یک درصديها

از صفحه ۱۰

امکانپذیری بزرگ کشیدن حکومت اسلامی بقدرت متشکل و متحد مردم تاکید میکند و امید و اعتماد به نفس و باور بقدرت خود را در میان توده مردم بالا میبرد.

و بالاخره باید بر اهمیت فاکتور سازمانیابی مردم برای اعمال اراده در سرنوشت سیاسی خود اشاره کنم. در برابر کمپ راست و نیروها و آلترناتیوهای حکومتی رنگارنگش، ما حزب کمونیست کارگری و برنامه یک دنیای بهتر، همیشه آلترناتیو دخالت مستقیم مردم در اداره امور جامعه و حکومت شورائی را قرار داده ایم. امروز تجربه مصر و دیگر انقلابات و خیزشهای اعتراضی توده ای در ترکیه و برزیل و سراسر دنیا یکبار دیگر بر بی اعتباری آلترناتیوهای حکومتی طبقه حاکمه، در پوزیسیون و اپوزیسیون، و بر ضرورت و مطلوبیت سازمانیابی توده مردم بعنوان قدرت دولتی تاکید میکند. این به نظر من مهمترین درس تحولات اخیر مصر و دیگر جنبشهای انقلابی جاری برای مردم ایران است.

۵ جولای ۱۳

خردادی نوری در ته تونل خط استحاله دیدند و به دلشان وعده دادند که کلید حل مشکلات نظام جمهوری اسلامی "اسلام معتدل" نوع مصر و ترکیه است. مشخصا خط اعتدالگرایی حسن روحانی نیز که همه اپوزیسیون استحاله چی به آن دخیل بسته است، همین الگوها را در چشم انداز خود دارد. اکنون با ساقط شدن موری کل این خواب و خیالها نقش بر آب میشود. جنبش توده ای در ترکیه اولین ضربه را به این خط وارد آورد و امروز با سرنوشتی موری ضربه نهائی به این "قرائت اعتدالگرایانه" از اسلام و حکومت اسلامی نیز وارد شده است.

یک بازنده دیگر تحولات مصر اپوزیسیون راست دموکراسی پناه است که انتخابات و صندوق رای را راه حل مشکلات مردم وانمود میکند. تجربه مصر بی اعتباری و پوچی این راه حل مطلوب اپوزیسیون راست را نیز بر همگان آشکار کرده است. اما تا آنجا که به توده مردم و کمپ انقلاب مربوط میشود، تجربه مصر یکبار دیگر بر

در تحلیل نهائی پیروزی انقلاب در مصر در گرو پا به عرصه گذاشتن و عروج چنین نیروئی است.

انترناسیونال: بعنوان آخرین سؤال تاثیر تحولات اخیر مصر بر شرایط سیاسی در ایران را چگونه می بینید؟

حمید تقوایی: روشن است که انقلابات منطقه و بویژه انقلاب مصر تا کنون تاثیرات سیاسی مهمی به نفع مردم و در جهت تضعیف موقعیت دولتهای ارتجاعی حاکم در کشورهای منطقه داشته است. اما مشخصا تحولات اخیر مصر بویژه بخاطر شکست "اسلام معتدل" بقدرت انقلابی مردم تاثیر مهمی بر شرایط سیاسی ایران خواهد داشت. بیاد دارید که با آغاز جنبشهای انقلابی در منطقه خامنه ای و مقامات جمهوری اسلامی تلاش کردند آنرا به حساب بیداری اسلامی و انقلاب اسلامی در کشورهای عربی بگذارند. اما بزودی معلوم شد که یک بازنده اصلی انقلابات تونس و مصر و لیبی جنبش اسلام سیاسی و مشخصا محور جمهوری اسلامی - سوریه - حزب الله - حماس در خاورمیانه است.

این نیروها هر روز بیشتر تضعیف و حاشیه ای شدند و این سیر همچنان ادامه دارد. اما از سوی دیگر با روی کار آمدن اسلام نوع دیگری، اسلام معتدل مورد پذیرش غرب در این کشورها، نیروهای ملی - مذهبی نوع دو

International Committee Against Stoning  
(<http://stopstoningnow.com>)  
International Committee Against Execution  
(<http://notonemoreexecution.org>)  
For more information contact:  
Spokesperson: [minaahadi@aol.com](mailto:minaahadi@aol.com)  
0049-177-569-2413

ضمیمه انترناسیونال ۵۱۲ منتشر می شود

گفتگو با شهلا دانشفر

موقعیت کنونی جنبش کارگری

موضوع یک سمینار در حاشیه پلنوم ۴۰ حزب کمونیست کارگری

# شیوا محبوبی و میترا پورشجری از مجامع بین المللی درخواست کرده اند برای آزادی محمد رضا پورشجری و آرش صادقی اقدام کنند



آنتونیس آلكساندریدس، از مسئولین بخش حقوق بشر اتحادیه اروپا در امور ایران اعلام کرد که این نامه سریعاً به دفتر نماینده اتحادیه اروپا در تهران ارسال گردیده و کمیته را از اقدامات بعدی خود مطلع خواهند کرد.

نامہ مشابهی در رابطه با این دو زندانی سیاسی به سازمانهای بشر دوست و مجامع بین المللی ارسال گردید. شیوا محبوبی همچنین نامه ای را در رابطه با دو نفر زندانی سیاسی فوق به دولت کانادا ارسال داشت و از آنها خواست به رژیم اسلامی برای آزادی این دو نفر فشار بیاورند و سایر دولت‌ها را نیز تشویق کرده در این امر دخالت نمایند.

لازم به ذکر است آرش صادقی، دانشجوی زندانی است که آخرین بار در سال ۱۳۹۰ دستگیر شد. آرش از دی ماه سال ۱۳۹۰ تاکنون در بند ۲۰۹ اوین بسر می‌برد. در تاریخ ۱۱ خرداد ماه سال جاری مامورین زندان وی

بدنیال وضعیت نگران کننده محمد رضا پورشجری، وبلاگ نویس زندانی و آرش صادقی دانشجوی زندانی که سی روز است در اعتصاب غذا بسر میبرد، شیوا محبوبی سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و میترا پورشجری فرزند زندانی سیاسی محمد رضا پورشجری طی نامه ای به اتحادیه اروپا خواهان اقدام عاجل آنها گردیدند. در این نامه ضمن اشاره به مرگ افشین اسانلو، کارگر زندانی، به سیاست کشتار رژیم از طرق مختلف از جمله محروم کردن زندانیان از امکانات درمانی پرداخته شده است. در این نامه همچنین شرح حال خلاصه ای از وضعیت زندانیان سیاسی آرش صادقی و محمد رضا پورشجری نوشته شده و خواستار فشار اتحادیه اروپا به رژیم اسلامی جهت آزادی این دو زندانی سیاسی شده اند. پس از ارسال این نامه در تماس شیوا محبوبی با اتحادیه اروپا آقای

دعوت مینماید که از هر طریق ممکن خواستار آزادی محمد رضا پورشجری و آرش صادقی بشوند. اقدامات بعدی در رابطه با حمایت از این دو زندانی به زودی به اطلاع عموم خواهد رسید.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی  
۳۰ ژوئن ۲۰۱۳ برابر با نهم تیر ماه ۱۳۹۲

<http://zندانisi-asi.wordpress.com>  
<https://www.facebook.com/zendani.siasi>

شهر مسولین جنایتکار زندان اجازه انتقال وی به بیمارستان را نداده اند. میترا پورشجری در نامه اخیرش گفته است: "پدرم طی تماسی تلفنی اعلام کرد، اگر من مردم باید من را کالبد شکافی کنند، زیرا پزشکان زندان حتی نام آمپول‌هایی که به من تزریق می‌کنند را نمی‌گویند و من اطلاع ندارم چه داروهایی وارد بدن من می‌شود."

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از تمام شخصیتها، سازمانها و تشکلهای مدافع آزادی زندانیان سیاسی

را مورد ضرب و شتم قرار دادند و آرش در اعتراض به این برخورد وحشیانه از آن تاریخ دست به اعتصاب غذا زده است. از وضعیت آرش خبری در دست نیست و هیچگونه ملاقاتی و اجازه تماس تلفنی ندارد.

محمد رضا پورشجری وبلاگ نویس زندانی از سپتامبر ۲۰۱۰ در زندان بسر میبرد و به دنبال یک حمله شدید قلبی وضعیت جسمیش وخیم تر شده است. علیرغم تشخیص پزشکان زندان مبنی بر ضرورت انتقال محمد رضا به بیمارستان

## بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران: پیشروی تاریخساز انقلاب مصر!

التحریرقوی ترین و تعیین کننده ترین قدرت در مصر است. التحریر یعنی توده مردم انقلابی مصر باید خود را بصورت دولت مستقیم مردم متشکل کند و قدرت را بدست گیرد و مستقیماً حکومت کند. جامعه ای انسانی و برابر و بدون تبعیض و بدون زندان و اعدام و فقر و فلاکت که خواست مردم میلیونی مصر است تنها از این مسیر میتواند سر بر آورد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۴ تیرماه ۱۳۹۲  
۵ ژوئیه ۲۰۱۳

امور توسط ارگانهای اعمال اراده مستقیم مردم تبدیل نشود. التحریر و جنبش عظیم مردم مصر باید اعمال اراده خود را از حد تغییر دولت ها و بر کنار کردن و برانداختن نمایندگان و احزاب رنگارنگ بورژوازی به تصرف قدرت سیاسی و برقراری نظم نوینی که آزادی و رفاه و حرمت انسانها را بی چون و چرا مبنا قرار میدهد ارتقاء دهد. وقایع یک هفته گذشته نشان داد که

همچنان بعنوان یک نیروی فوق ارتجاعی در صحنه خواهند بود. بعلاوه و مهمتر بورژوازی در مصر چهره هایی نظیر البرادعی را هنوز در کیسه دارد و در گام بعدی به جلوی صحنه خواهد راند. اما مهمترین خطری که انقلاب مصر را تهدید میکند این است که این انقلاب صرفاً در موضع اپوزیسیونی باقی بماند و جنبش عظیم و شورانگیز التحریر به قدرت دولتی و بدست گرفتن اداره

بر دارد. جنبش شورانگیز "تهد" و اجتماعات عظیم و تاریخی چند روز اخیر و کنار زدن مرسى انقلاب مصر را در موقعیت قدرتمندتری برای انجام وظایفش قرار داده است.

با اینهمه روشن است که انقلاب مصر برای پیروزی راه پرپیچ و خمی در پیش دارد. بجز مانع ارتش، نباید قدرت اسلامیون را دستکم گرفت. آنها شکست سنگینی متحمل شده اند اما

مصر نه فقط در دوره مبارک و ژنرال طنطاوی بلکه همچنین در حکومت محمد مرسى و حکومت موقت فعلی نیز قدرت واقعی را در دست داشته و دارد.

انقلاب مصر برای پیروزی ناگزیر است سرانجام با ستون فقرات سیستم فعلی در مصر یعنی همین ارتش که علاوه بر قدرت قهریه نظامی و پلیسی قدرت فوق العاده اقتصادی و سیاسی دارد مستقیماً درافتد و آنرا از پیش پا

## احکام سنگسار در زندان تبریز علیه چهار نفر!

از جمله محکومین به سنگسار یک فعال مدافع حقوق زن است! کمیته بین المللی علیه سنگسار به سران حکومت اسلامی و مقامات محلی در تبریز اخطار میدهد که دست از این توطئه بردارند.

حکومت اسلامی میخواهد در تبریز چند نفر را سنگسار کند. این دسیسه مقامات محلی در تبریز و رئیس قوه قضائیه حکومت اسلامی است برای پاسخ دادن به يك جنبش میلیونی علیه سنگسار سکینه محمدی آشتیانی که در همین زندان محبوس است. امروز سه شنبه ۲ ژوئیه ۲۰۱۳ از زندان تبریز به ما اطلاع دادند که زهرا ساعی و علی ساعی در زندان تبریز به سنگسار محکوم شده اند و دادگاه بالاتر حکومت اسلامی این حکم را تأیید کرده و زمینه را برای اجرای حکم آماده کرده اند. طبق خبر حکم سنگسار این دو نفر که پسر عمو و دختر

عمو هستند و به اتهام رابطه جنسی خارج از ازدواج به سنگسار محکوم شده اند را دیوان عالی حکومت اسلامی و رئیس قوه قضائیه هم تأیید کرده اند. این دو نفر اهل روستای خیرآباد از توابع شهرستان بستان آباد در استان آذربایجان شرقی هستند. در روزهای گذشته همچنین در چندین سایت اینترنتی خبر محکومیت به سنگسار دو نفر دیگر از زندان تبریز منتشر شد که کمیته بین المللی علیه سنگسار در صدد ارتباط با افراد خانواده این دو زندانی است محمد رضا جمالی و همسرش

خدیجه پور محمد علی زاده از داخل زندان تبریز با نهادهای مدافع حقوق انسانی تماس گرفته و خواهان اعتراض به احکام سنگسار خود هستند. خدیجه پور محمد علی زاده فعال حقوق زنان است که رژیم و مقامات جنایتکار محلی در تبریز او را به سنگسار محکوم کرده اند. کمیته بین المللی علیه سنگسار به مقامات محلی در تبریز، به سران حکومت اسلامی، به لاریجانی رئیس قوه قضائیه و به روحانی رئیس جمهور جدید این حکومت اخطار میکند که دست از این دسیسه و زمینه سازی برای جنایت بردارند. دنیا آماده

اعتراض میلیونی به جنایت و سبعیتی به اسم سنگسار است و هر نوع زمینه سازی برای عملی کردن این جنایت هولناک با موجی از اعتراض در همه جای جهان مواجه خواهد شد. ما خواهان لغو فوری همه این احکام هستیم. از دوستان و آشنایان این چهار نفر دعوت میکنیم در اسرع وقت با ما تماس بگیرند. باید همه دست به دست هم داده و مانع اجرای این نقشه پلید جنایتکاران حاکم بر ایران شویم. حکومت اسلامی ایران در مقابل حکم سنگسار سکینه محمدی آشتیانی طوفان درو کرد و اکنون میخواهد زیر در دوره رئیس

جمهور جدید و لبخند بر لبش، ظاهراً این جنایت هولناک را از سر بگیرد، همه این جنایتکاران باید بدانند این بار نیز طوفان درو خواهند کرد. اینرا ما به همه مقامات ریز و درشت این دستگاه وحشیگری اسلامی اطمینان میدهیم.

کمیته بین المللی علیه سنگسار  
۲ ژوئیه ۲۰۱۳

Mina Ahadi  
0049 (0) 1775692413  
minnaahadi@gmail.com  
minaahadi-iran.blogspot.co.uk

stopstonningnow.com  
notonemoreexecution.org  
ex-muslim.de

### مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است. برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایانتان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: [nctv.tamas@gmail.com](mailto:nctv.tamas@gmail.com)

# نامه به مارتین شولتز رئیس پارلمان اروپا و کمیسیون ایران اتحادیه اروپا رونوشت به افکار عمومی بین المللی

دهد.  
مینا احدی کمیته بین المللی علیه اعدام  
کمیته بین المللی علیه سنگسار  
۵ ژوئیه ۲۰۱۳  
Mina Ahadi  
1775692413 (0) 0049  
minnaahadi@gmail.com  
m.minaahadi-iran.blogspot.co.uk  
stopstonningnow.com  
nofonemoreexecution.org  
ex-muslim.de



است. فعالین سیاسی رهبران کارگری و دانشجویی و فعالین مدافع حقوق زن در زندانها همه نگران هستند. چرا که افشین با یک درد کوچک در قفسه سینه به بهداری رفت و سپس در آنجا فوت کرد و زندانیان از تزریق موادی برای کشتن زندانیان بیمار نگران هستند چرا که فقط در رجایی شهر این سومین مرگ از این نوع در یکسال گذشته است.

روزنامه شرق در روز چهارشنبه ۲ ژوئیه خبر از اعدام یک کودک هشت ساله داده، که طبق تحقیقاتی که ما انجام داده

ایم، یک کودک که در هشت سالگی مرتکب جرمی شده ده سال است که در زندان این حکومت است تا هیجده ساله شود و این هفته او به سن هیجده سالگی میرسد و رژیم اعلام کرده که یک روز بعد از جشن تولد او، میخواهد او را احتمالا در ملاعام اعدام کند!

از شما آقای شولتز و بقیه همکاران شما دعوت میکنیم که فوراً به این موج جنایت با صدای بلند اعتراض کنید.

ما میخواهیم که رسماً به ایران اعتراض کنید و جلوی این جنایات را بگیرید. اتحادیه اروپا باید بیش از پیش به این قتل عام های وحشیانه عکس العمل نشان

زندانیان ابدی اطلاعی داده نشده بود و زندانیان ناگهانی یکروز قبل به سلول انفرادی منتقل و سپس همگی اعدام شدند.

رژیم همین هفته در کرج دو جوان ۲۰ و ۲۴ ساله را در ملاعام اعدام کرد. در شهرستان بم پنجشنبه یعنی دیروز ۴ ماه ژوئیه ۶ نفر را اعدام کرد. در همه جا مقامات محلی حکومت نخست سخنرانی میکنند و برای مردم خط و نشان میکشند و تهدید میکنند و سپس قرآن خوانده میشود و با شعار افراد را میکشند.

سه شنبه این هفته ۲ ماه ژوئیه از زندان تهران با من تماس گرفتند و از قطعی شدن حکم سنگسار زهرا ساعی و علی ساعی خبر دادند. این دو به اتهام رابطه جنسی خارج از ازدواج در زندانی که سکینه محمدی آشتیانی زندانی است، به سنگسار محکوم شده و حکم را لاریجانی رئیس قوه قضائیه نیز امضا کرده است. این فرد که رئیس قوه قضائیه حکومت اسلامی است، با امضا خود در حقیقت فرمان قتل را رسماً صادر میکند و دراینجا نیز دستور سنگسار را داده است، مقامات رژیم اسلامی فقط بدلیل ترس رژیم از اعتراضات بین المللی سنگسار نمیکند، ولی ظاهراً با آمدن "دولت تدبیر و امید" میخواهند حتی اینرا نیز از سر بگیرند.

حکومت اسلامی ایران مخفیانه اعدام میکند و در زندانها با قتل افشین اسانلو یک فعال کارگری در زندان رجایی شهر، نوع دیگری از اعدام را نیز شروع کرده



روزانه خون بریزند و این جنایات را به همه نشان دهند.

من از طرف کمیته بین المللی علیه اعدام و کمیته بین المللی علیه سنگسار و از سوی صدها زندانی و محکوم به اعدام این نامه را می نویسم.

جمهوری اسلامی ایران بعد از روحانی دو هفته فقط دست نگه داشت و اعدام نکرد و سپس دست به اعدامهای گسترده زد.

سه شنبه ۱۸ ژوئن مجید افضلی متهم به قتل، ۳۶ ساله در رجایی شهر اعدام شد. همان زمان خبر از چهار اعدام مخفی در این روز به دست ما رسیده است.

پنجشنبه ۲۰ ژوئن ۴ نفر در شهر کرد اعدام شدند که یکی از آنها یک زن بود و یک نفر از این اعدام شدگان را در ملاعام با جرقه اعدام کردند.

قتل ۲۵ نفر در دو زندان روزهای سه شنبه و چهارشنبه این هفته ۲ و ۳ ژوئیه ۲۵ نفر در زندان قزل حصار و رجایی شهر اعدام شدند. به خانواده این

بیست روز است که روحانی در ایران رئیس جمهور شده، پنجاه نفر اعدام شده اند، یک فعال کارگری در زندان به قتل رسیده، دو نفر به سنگسار محکوم شده، حکم قطع دست شش نفر داده شده و قرار است هفته آینده در تهران یک جوان ۱۸ ساله را اعدام کنند، آیا این جنایات مصداق بارز قتل عام نیست؟

خانم ها و آقایان!

جمهوری اسلامی ایران به موج جدید و شدیدتری از قتل جوانان، اعدام در ملاعام، تلاش برای انجام سنگسار علیرغم اعتراضات گسترده جهانی، دست بریدن و چشم در آوردن و نمایش علنی این فجایع در تلویزیون رسمی خود دست میزنند. قوه قضائیه این حکومت از تاسیس یک تلویزیون برای قوه قضائیه برای پوشش دادن این جنایت و قتل ها حرف میزند و ظاهراً قرار است در ایران برای ساکت کردن مردم و جلوگیری از شورش و انقلاب،

## به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!